

# خشونت و شهروندی

28 فروردین 1401

خشونت نشانگر رفتار برون از ضوابط رسمی و پذیرفته شده جامعه است. فردی که دست به خشونت می زند، با زیر پا نهادن مسیرهای پذیرفته شده برای رسیدن به هدف خویش، گذرگاه دیگری را برای رسیدن به هدفی یا رویارویی با وضعیتی برمیگزیند که البته پیامد چنین گزینشی برای خود فرد و قربانی خشونت و همچنین کل جامعه زیانبار است.

انتشار خبری از خشونت بی رحمانه فردی علیه یکی از کارکنان زن در درمانگاهی در بهبهان، بسیار تاسف بار و نگران کننده بود. در گوشه و کنار کشور گهگاهی چنین خشونت هایی به ویژه علیه کادر درمان به کار گرفته می شود. نگرانی درباره چنین خشونت هایی از آن رو است که هنوز افرادی تنها با ابزار زور و برتری جسمانی در پی آنند که کارهای خود را به پیش ببرند. در این زمینه چند نکته وجود دارد که باید بدان توجه داشت:

در جامعه ای که فرهنگ شهروندی نهادینه شده باشد، افراد رفتارشان را بر مبنای میثاق جمعی مشترک یا همان قانون پیش می برند. جایگاه، مرتبه و قدرت در گونه های سیاسی، اقتصادی و... آن، امتیازی را برای کسی پدیدار نمی سازد. یک فرد با ویژگی هایی چون ناتوانی جسمی، فقر اقتصادی و نداشتن موقعیت سیاسی و... به اندازه فردی که قوی، دارا و قدرقدرت باشد، از حقوق شهروندی برخوردار است و برتری های خارج از ضوابط قانونی برای کسی زمینه ساز رفتارهای غیرضابطه مند نمی شود.

بروز چنین رفتارهایی نشان می دهد که جامعه ما هنوز با نهادینه شدن فرهنگ شهروندی فاصله دارد و افراد جایگاه و رفتارشان در جامعه را نه بر پایه حقوق و فرهنگ شهروندی، بلکه بر پایه «برخی قابلیت ها» و «خواسته های» خود تفسیر می کنند و بروز می دهند.

پر شمار شدن چنین رفتارهایی جامعه را به دوران بربریت برمیگرداند و هرج و مرجی ویرانگر را در رفتارهای اجتماعی گسترش می دهد. بنا به گزارش ها، نهاد مربوط به فرد خاطی اعلام نموده این شخص خارج از سازمان این عمل را مرتکب شده و ربطی به آن نهاد ندارد.

در اینکه در این فقره آن نهاد نمی تواند دخالت نماید، تردیدی نیست اما آیا فردی که چنین رفتاری در جامعه مرتکب می شود و خانم وظیفه شناسی را آماج خشونت خود قرار می دهد، از نظر عمومی و اخلاقی شایستگی ایفای نقش در یک سازمان به ویژه بخش حراست را دارد؟ از فردی که در چنین بخشی فعالیت دارد، انتظار می رود ضابطه مند، اخلاقمدار و حتی یاریگر شهروندان در برابر اجحاف ها و رفتارهای ناروای افراد ضابطه گریز باشد نه اینکه خود، میدان دار چنین رفتارهایی باشد.

چنین رفتاری، شهروندان را دچار نومیدی و احساس ناامنی می سازد که ممکن است در حوزه وظایف شغلی شان آماج **خشونت گرانی** از این دست باشند. برخورد بجا و بهنگام و به دور از توجیحات مرسوم در کنار فعالیت های ساختاری برای ترویج و نهادینه سازی آموزه های شهروندی می تواند گامی برای کاستن از چنین رفتارهای خشونت باری باشد.